

## تبیین مطالعه تطبیقی تسلیم و نقش آن در قرارداد بیع منقول در حقوق ایران و انگلستان (با تأکید بر اقلام تولیدی صنعتگران صنایع دستی)

### چکیده

هدف از انعقاد هر قرارداد، اجرای مقادیر آن و التزام به آثار ناشی از آن قرارداد است. عقد بیع به عنوان بارزترین نمونه‌های بیع لازم، برای قرار گرفتن در مسیر اجرای خود، باید دارای مفاد واضح و روشن بوده و طرفین، نزاع و اختلافی در مورد شرایط اعتبار و عبارات قراردادی و چگونگی اجرای آن نداشته باشند. یکی از این شرایط تسلیم می‌باشد اصولاً عقد بدون تسلیم محقق می‌شود مگر در عقد غیرمعمول و برخی از عقود استثنایی. با وجود این، در تمام موارد عقد و تسلیم با هم رابطه متقابل دارند. تسلیم و قبض از آثار عقد صحیح است و عدم قدرت بر تسلیم موجب بطلان قرارداد می‌شود. تسلیم و قبض هیچ یک عمل حقوقی نیست؛ زیرا در حصول قبض اذن بائع شرط نیست. این در صورتی است که موضوع تسلیم عین معین باشد ولی هرگاه موضوع تسلیم کلی باشد برای تعیین مصداق و فردی که باید تسلیم شود به اذن متعهد نیاز است، ولی لزوم تعیین مصداق، تسلیم را عمل حقوقی نمی‌سازد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و بر آن است که به تبیین مقوله تسلیم در عقد بیع و شرایط آن در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان بپردازد.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین مقوله تسلیم در عقد بیع.
۲. بررسی تطبیقی تسلیم و نقش آن در قرارداد بیع منقول در حقوق ایران و انگلستان (با تأکید بر اقلام تولیدات صنایع دستی).

### سوالات پژوهش:

۱. مفهوم و ماهیت حقوقی تسلیم چیست؟
۲. نقش مقوله تسلیم در قرارداد بیع منقول و شرایط آن در حقوق ایران و انگلستان چه می‌باشد؟

کلیدواژه‌ها: تسلیم، قرارداد بیع، صنایع دستی، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

## مقدمه

بیع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قراردادهای حقوقی دارای اوصاف، شرایط و آثار خاصی است که آن را از سایر قراردادها متمایز می‌سازد. یکی از این شرایط تسلیم می‌باشد اصولاً عقد بدون تسلیم محقق می‌شود مگر در عقد غیرمعمول و برخی از عقود استثنایی. با وجود این، در تمام موارد عقد و تسلیم با هم رابطه متقابل دارند. تسلیم و قبض از آثار عقد صحیح است و عدم قدرت بر تسلیم موجب بطلان قرار داد می‌شود. تسلیم و قبض هیچ‌یک عمل حقوقی نیست زیرا در حصول قبض اذن بایع شرط نیست. این در صورتی است که موضوع تسلیم عین معین باشد ولی هر گاه موضوع تسلیم کلی باشد برای تعیین مصداق و فردی که باید تسلیم شود به اذن متعهد نیاز است، ولی لزوم تعیین مصداق، تسلیم را عمل حقوقی نمی‌سازد. تسلیم واژه‌ای عربی است که از لحاظ لغوی به معنی گردن نهادن، رضایت دادن، سلام گرفتن و واگذار کردن و سپردن و تحویل دادن و نیز همچنین به معنای اعطای چیزی به کسی نیز می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۵۸۹۱). معادل واژه تسلیم در زبان انگلیسی کلمه *Delivery* است. این کلمه در معنای تسلیم، تحویل و واگذاری استعمال گردیده است (Atiyah, ۲۰۱۰: ۱۱۵). معنای اصطلاحی تسلیم نیز در عقود معمول عبارت است از اینکه یکی از طرفین دیگری را بر مالی که به او منتقل کرده‌است، مستولی نماید؛ به عبارت دیگر تمکین یک طرف از تصرف یا قرار دادن مورد معامله در اختیار طرف دیگر. یا اینکه برخی در بیان تعریف اصطلاحی تسلیم؛ آن را چنین بیان نموده‌اند یک عمل حقوقی برای انتقال یا واگذاری برخی چیزها مانند سند به طرف دیگر...

صنعتگران صنایع دستی امروزه با چالش‌های جدی در عرصه فروش محصولات خود مواجه هستند. وجود قوانین مدون برای تشویق و حمایت از این گروه شغلی ضروری است. در بسیاری از کشورها قوانین لازم را در این راستا تدوین کرده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلاً با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثار متعددی به صورت جداگانه به بررسی بیع و تسلیم در حقوق ایران پرداخته‌اند. علومی یزدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم تسلیم و ارتباط آن با انتقال مالکیت و ریسک (ضمان معاوضی) در عقد بیع به بررسی تسلیم و بیع در حقوق ایران پرداخته است. با این حال، در این اثر هیچ‌گونه تطبیقی با حقوق انگلستان انجام نشده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به بررسی تطبیقی پرداخته خواهد شد و به مسئله فروش در اقلام تولیدی صنایع دستی ایران نیز پرداخته می‌شود.

## نتیجه‌گیری

اولین حق بایع در تنظیم قرارداد بیع با مشتری، حق دریافت ثمن است که اصلی‌ترین تعهد مشتری در قبال دریافت مبیع می‌باشد. خریدار در مقابل تسلیم مبیع توسط بایع، متعهد است که ثمن آن را مطابق قرارداد و اگر در قرارداد قیدی در خصوص زمان و مکان آن صورت نگرفته باشد، براساس قانون پرداخت کند. در قانون مدنی به موجب ماده ۳۳۹ عدم ذکر ثمن در عقد، موجب بطلان آن شود، اما امروزه هرگاه مورد عقد در عرف معلوم باشد، ذکر در عقد یا مشاهده آن لازم نیست؛ چراکه معلوم بودن عرفی امری موجب بی‌نیازی از ذکر آن در عقد می‌شود. در ماده ۳۴۴ قانون مدنی نیز بیان شده که اگر در عقد بیع، شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت، موعدی معین نگشته باشد، بیع قطعی و ثمن، حال محسوب می‌شود؛ مگر اینکه بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجاری، وجود شرط یا موعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع، ذکری نشده باشد. همچنین ماده ۳۴۱ قانون مدنی نیز تعیین اجل برای پرداخت، نیاز به تصریح و ذکر آن در عقد دارد. لذا در مجموع می‌توان دریافت که عدم ورود قیدی در خصوص تأدیه ثمن در حین عقد، منصرف به حال بودن آن می‌باشد. در خصوص مکان تأدیه ثمن هم براساس قسمت اخیر ماده ۳۷۵ و مواد ۲۲۰ و ۲۵۰ و ۲۸۰ قانون مدنی هرگاه بین طرفین، محلی برای تأدیه ثمن تعیین شده باشد، مشتری موظف است براساس قاعده «المؤمنون عند شروطهم» ثمن را در مکان توافق شده به بایع بپردازد. ولی اگر طرفین، توافقی در خصوص مکان تأدیه ثمن نداشته باشند، ولی عرف اقتضای تسلیم در مکان مشخصی را داشته باشد، ثمن باید در آن مکان تأدیه گردد. به موجب ماده ۲۲۰ و ۲۲۶ قانون مدنی اگر مکان تأدیه ثمن در حین عقد تعیین نشده باشد و عرف هم در این زمینه حکمی نداشته باشد، ولی اختیار تعیین مکان تأدیه ثمن به شخصی واگذار شده باشد، شخص مذکور می‌تواند هر مکانی را تشخیص داد، برای تأدیه ثمن تعیین نماید. اگر هیچ یک از حالات قبلی نباشد، مطابق با حکم ۲۸۰ قانون مدنی، ثمن باید در محلی که عقد منعقد شده است تأدیه شود. قاعده ضمان معاوضی در خصوص نقص و عیب مبیع قبل از قبض جاری می‌شود؛ یعنی: الف) اگر مبیع قبل از تسلیم دچار نقص (تلف جزئی) شود: قرارداد نسبت به بخش تلف شده منفسخ شده و نسبت به بخش دیگر مشتری حق فسخ (خيار تبعض صفقه) دارد. ب) اگر مبیع قبل از تسلیم دچار عیب (مفقود شدن وصف سلامت) گردد، قرارداد بر مبنای خيار عیب قابل فسخ است.<sup>۱</sup> شرایطی که برای انتقال ضمان معاوضی هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلیس یکسان است عبارتند از: انعقاد عقد، انتقال مالکیت و معین بودن، تلف مبیع و عدم انتساب آن به فعل بایع است. از آثار عقد بیع التزام بایع به تسلیم مبیع و التزام مشتری به تأدیه ثمن می‌باشد تسلیم مبیع، تعهد اولیه و اصلی بایع می‌باشد، اما در جایی که مبیع تلف شده، تعهد دیگری جایگزین تعهد اصلی می‌شود که تعهد به استرداد ثمن به مشتری می‌باشد، لذا می‌توان عنوان نمود که وقوع عقد، شرط اولیه ایجاد ضمان است. از شروط دیگر تحقق ضمان معاوضی انتقال مالکیت است که هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلیس از شرایط تحقق ضمان معاوضی می‌باشد. باید دانست که در تحقق ضمان معاوضی معین بودن و تلف قبل از تسلیم نیز شرط است.

<sup>۱</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۰، ۶۶.

## فهرست منابع و مآخذ

- ابن منظور، ابوالفضل. (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت- لبنان: دارالفکر للطباعة والنشر و التوزيع.
- امامی، حسن. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، چاپ ۲۴، تهران: انتشارات اسلامی.
- اراکي، محمدعلی. (۱۴۱۵). کتاب البيع، جلد دوم، قم: ناشر المطبعه مؤسسه اسماعیلیان.
- آل البحرالعلوم، السیدمحمد. (۱۴۰۳). بلغه الفقیه، الجزء الاول، شرح و تعلیف السید محمد تقی آل بحرالعلوم، چاپ چهارم، نجف: منشورات مکتبه الصادق، مکتبه العلمین العامه.
- الشرقاوی، جمیل. (۱۹۷۵). شرح العقود المدنیه، البیع و المقایضه، القاهره.
- الأخوند الخراسانی، المولی محمدکاظم. (۱۴۰۶). حاشیه المکاسب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، تهران: چاپ گلشن.
- حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفرین الحسن. (۱۴۱۵). شرایع الاسلام فی المسائل حلال و الحرام، چاپ چهارم، تهران: انتشارات استقلال.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رسوق، محسن. (۱۳۹۰). تسلیم مبیع و ثمن و آثار آن در کنواسیون بیع بین المللی کالا (وین - ۱۹۸۰) و مقایسه آن با فقه و حقوق ایران و سوریه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، عقود معین، جلد یک، چاپ نهم، تهران: انتشارات مجد.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۷). حقوق مدنی، عقود معین، جلد ششم، چاپ نهم، تهران: انتشارات مجد.
- طباطبایی، محسن. (۱۳۷۱). نهج الفقاهه، نجف: انتشارات ۲۲ بهمن.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: شرکت انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). حقوق مدنی (عقود معین)، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کیایی، عبدالله. (۱۳۷۶). التزامات بایع و مشتری قبل و بعد تسلیم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ملک، لیلا. (۱۴۰۰). «استراتژی های مدیریت و مدل مدیریت پایدار و رقابتی در صنایع دستی». تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی، دوره ۳، ۳۳۳-۳۲۵.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۴۰۱). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

Atiyah p.s. John N. (۲۰۱۰). Adams, Hector Macqueen, "The sale of goods", Longman.

Bridge, M. (۱۹۹۸). "The sale of Goods", London, oxford university press.

Chitty . (۱۹۹۷). Chitty on Contract, volume I, ۲۴th edition, London, Sweet &Maxwell.

Garner, Bryan A, black's law dictionary, second published by Mizan press, ۱۹۸۸.

Richards, Paul H. (۲۰۰۵). Law of Contract, ۵th edition, London, Longman, ۲۰۰۵.

Stone, R. (۱۹۹۵). contract law, Great Britain.

Treitel, G. (۱۹۹۹). The Law of Contract, ۱۰th edition, London, Sweet &Maxwell, ۱۹۹۹.

Http: //Commercial Law. Sale of goods: passing of property notes. LIA Ting Wai  
Fontaine

<http://legal-dictionary.n> the free dictionary. Com / Delivery

Http://Transfer of ownership and delivery of goods. Prepared by: Vibha Jain.  
Mercantual law.

Magazine, Insitel law, Daily online law news and caw blogs, p۱۱۹۳.